



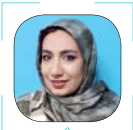
## تحلیل روانشناختی انیمیشن روح که این روزها بسیار پرطرفدار شده است

# دمیدن «روح» تازه در تن انیمیشن‌ها

انیمیشن روح که این روزها در اکثر محافل سینمایی و پویانمایی در مورد آن صحبت می‌شود، اثری است فلسفی از شرکت پیکسار و به کارگردانی پیت داکتر که توسط والت دیزنی پیکچرز در سال ۲۰۱۰ منتشر شد.

انیمیشن روح که در جشنواره فیلم لندن در ۱۱ اکتبر اکران شد ابتدا قرار بود برای اکران سینمایی در نظر گرفته شود اما به دلیل شیوع ویروس کرونا به صورت دیجیتالی در دیزنی پلاس منتشر شد.

این انیمیشن در حال حاضر از پرطرفدارترین آثاری است که در کشور ما نیز توجه مخاطبان زیادی را به خود جلب کرده است. در این گزارش پیرامون «روح» و نسبت آن با کودکان صحبت خواهیم کرد.



زینب ملایی

روان شناس حوزه کودک

### ماجرای انیمیشن

شخصیت اصلی انیمیشن روح، مرد سیاهپوست میانسانی است که در یک مدرسه، موسیقی جاز تدریس می‌کند و از کار کردن در یک اداره معمولی همراه با بیمه، مزایا و... بیزار است و آرزویش ناوختن موسیقی در یک کنسرت بزرگ است. جو گاردنر گرچه گاهی از تاثیر نظرات مادرش بر افکارش عصبی می‌شود اما براساس وابستگی روانی عمیقی که به مادر دارد بین خواسته‌ها و نظرات و آرزوهای خود و مادرش دچار کشاکش درونی است و این کشاکش درونی او را آزرده می‌کند. مادر از جو گاردنر می‌خواست که مانند پدرش نباشد، مادر رویاهای بر باد رفته خود را در فرزندش دنبال می‌کند و می‌خواهد آنچه را که همسرش در حق زندگی‌شان انجام نداده، او انجام دهد. پدر جو گاردنر به دنبال موسیقی بوده و هیچ‌وقت پول و بیمه و... نداشته و از این‌رو مادر تحت فشار بوده است. حالا از فرزندش می‌خواهد که کاری با بیمه و حقوق ثابت و مزایا داشته باشد.

مادر جو گاردنر خوشبختی جو را در این هدف و رسیدن به این هدف می‌داند. او به مادرش می‌گوید که شغلی همراه با بیمه را قبول کرده است تا مادر را خوشحال کند اما به پیشنهاد یکی از شاگردان قدیمی‌اش برای تست اجرا در یک

### انتشار کتاب «پلک نزن» برای بچه‌هایی که نمی‌خوابند!

عنوان کتاب البته ظاهرا در تناقض با موضوع آن است؛ «پلک نزن» برای بچه‌هایی نوشته شده که شب‌ها نمی‌خواهند بخوابند. امی کراوس روزنتال در کتاب پلک نزن کودکان را به چالشی وسوسه‌انگیز دعوت می‌کند، به‌طوری‌که بچه‌ها می‌توانند قبل از خواب با شنیدن آن خوابی آرام و راحت داشته باشند. کتاب با تصویرگری دیوید

رابرتس و ترجمه مرگان بدریان در بخش کودک و نوجوان انتشارات ققنوس (نشر آفرینگان) برای گروه سنی «ب» منتشر شده است. در این کتاب آمده: «به شرطی اجازه داری نخوابی، که نتوانی به آخر کتاب برسی! اما هر بار که پلک بزنی باید ورق بزنی و یک صفحه بری جلو» و با داستانی ساده توجه کودکان را به چشم‌هایشان و فعالیت

نمی‌تواند هدفی برای ادامه زندگی و زیستن باشد و این زندگی نیاز به اهداف دیگری هم دارد. او تمام لحظات شیرین زندگی‌اش را مرور می‌کند؛ در این سکانس گاردنر به ما نشان می‌دهد که لزوما اهدافی که ما دنبال می‌کنیم انگیزه‌های زیست ما نیستند و تمام عمر دویدن برای یک هدف و چارچوب خاص شاید ما را از مسیر زیستن و لذت بردن از لحظات مان و حتی فرصت ارتباط موثر با دیگران جا بگذارد مثل رها کردن یک رابطه عاشقانه و ناکامی در آن. او داشتن یک هدف مشخص برای زیستن و سپس رسیدن به سوت پایان را داستان زیبایی برای پایان زندگی نمی‌داند. گاردنر بعد از این‌که می‌فهمد زندگی به معنای زندگی چیزی عمیق‌تر از یک هدف خاص است به سراغ ۲۲ می‌رود؛ ۲۲ ایده که براساس نگاهی که گاردنر به او منتقل کرده حس می‌کند به اندازه کافی خوب نیست. ۲۲ اقتدر در این فکر فرو رفته است که به‌سادگی صدای کسی را نمی‌شنود و افکار منفی او درخصوص خودش تکرار می‌شود و باز هم تنها و تنها گاردنر با ایجاد تغییر در افکار ۲۲ او راجعات می‌دهد.

### تحلیل روان‌شناختی انیمیشن

نقش تربیت‌گر گاردنر در روان ۲۲ نقش بسیار مهمی است و می‌تواند امیدبخش یا ناامیدکننده باشد. انیمیشن روح به ما می‌آموزد که لزوما چارچوب‌های تعریف شده ما برای زندگی و با سرعت دیدن به سمت آنها معنای خوشبختی نیست. گاهی ما با شکل دادن این چارچوب‌ها بسیاری از فرصت‌های خودمان برای ارتباط موثر و مسیرهای تازه برای تجربه‌های تازه را از خودمان می‌گیریم مثل اتفاقی که برای گاردنر و مادرش در ابتدای داستان می‌افتد و هرکس در تلاش برای رسیدن به چارچوب‌های ذهنی‌اش است و این چیزی جز یک رابطه آسیب‌دیده بین جو و مادر باقی نمی‌گذارد تا این‌که جو یک روز با بیان احساساتش دست به ترمیم این رابطه می‌زند.

انیمیشن روح به ما این پیغام را می‌دهد که ما بزرگسالان در هر نقشی که باشیم در ایجاد نگاه یک کودک به جهان نقش بسیار مهمی داریم ولی هر آنچه که ما به آن رسیده‌ایم لزوما بهترین چارچوب برای کودکان نیست بلکه بهترین نگاه، چیزی است از جنس تجربه شخصی کودکان، نه چیزی که ما

### کتاب‌گردی

## به بچه‌ها بگوییم، از بچه‌ها بشنویم

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های والدین نحوه گفت‌وگو با فرزندشان است. در کتاب «به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن» دو نویسنده معروف در حوزه کودک نکات کلیدی درباره گفت‌وگو با فرزندان را شرح داده‌اند و بر این موضوع که گفت‌وگو دوسویه است، تأکید کرده‌اند. گفت‌وگو نیاز به گفتن و شنیدن دارد و مهم‌ترین روش برای برقراری ارتباطی صحیح با کودکان گفتن و شنیدن است. نمی‌توان فقط با برقراری رابطه یک‌سویه، ارتباطی مؤثر و سازنده داشت. این کتاب نکات کوچک ولی کاربردی را شرح و بسط می‌دهد که والدین بسیاری در سراسر جهان به آن نیاز دارند. کتاب به بچه‌ها گفتن، از بچه‌ها شنیدن به‌منظور بهبود مهارت‌های ارتباطی تهیه‌شده و به جز والدین، برگزارکنندگان کارگاه‌های مهارت‌های ارتباطی نیز از آن استفاده می‌کنند. کاربرد نکات این کتاب به بهبود ارتباط میان کودکان و بزرگسالان منجر می‌شود.

احتمالا کودکان شما تاکنون فرصت‌های بی‌شماری را به شما عرضه کرده‌اند تا مهارت‌های گوش‌دادن را به مرحله عمل درآورید. وقتی چیزی باعث دردرسر کودکان می‌شود، آنها معمولا می‌گذارند تا ما بر آنها آگاهی بباییم. آن‌هم با صدای بلند و واضح. در خانه‌های ما، گذراندن یک روز با بچه‌ها مثل یک‌شب به تئاتر رفتن است. یک اسباب‌بازی گمشده، اصلاح خیلی کوتاه موی سر، تهیه گزارش به‌عنوان تکلیف مدرسه، شلوار چینی که کاملا اندازه نیست، دعای یا برادر یا خواهر که هر یک از این موضوع‌ها می‌تواند به اندازه یک درام سه‌پرده‌ای و به مقدار کافی اشک درآورد. ما هرگز ازنظر موضوع کم و کسری نداشتیم. تنها تفاوت این است که درتئاتر پرده می‌افتد و حضار می‌توانند به خانه برگردند. ولی والدین این تجمل نصیب‌شان نمی‌شود و ما باید به طریقی همه این صدمات، مصیبت‌ها و ناامیدی‌ها را تحمل و درضمن شعور خود را حفظ کنیم. اکنون می‌دانیم روش‌های قدیمی به کار نمی‌آید. تمام توضیحات و قوت قلب دادن‌ها هیچ تسکینی برای کودکان به ارمغان نمی‌آورد و ما را فرسوده می‌کند. روش‌های جدید نیز می‌تواند مساله‌ساز باشد. پاسخ‌های از سر همدردی تائنده‌ای تسلی‌بخش هستند ولی هنوز این‌گونه پاسخ‌ها برایمان آسان نیست. برای بسیاری از ما این زبان، تازه و عجیب می‌نماید. والدین در موارد این چنینی می‌گویند: اول احساس می‌کردم چه قدر مسخره است، گویی خودم نیستم که به این زبان حرف می‌زنم، مثل این‌که دارم نقش بازی می‌کنم.

### بخش‌هایی از کتاب را باهم بخوانیم

حتی پیش از بچه‌دار شدن، مادر خوبی بودم. من در مسائل کودکان با والدین‌شان خیره بودم تا این‌که صاحب سه فرزند شدم. انسان در زندگی با کودکان واقعی خود دچار عجز می‌شود. هرروز صبح به خود می‌گفتم: امروز روز دیگری خواهد بود چون هرروز با روز قبل متفاوت بود. «تو به اون بیشتر از من چیز دادی!» «این لیوان قرمز!» «من آبیّه رو می‌خوام.» «این سوپ رو دوست ندارم.» «من به اتاقم نمی‌رم.» «تو بهم دستور نده!» «اون منو با مشت می‌زنه.» «من اصلا بهش دست هم نزنم.» آنها سرانجام مرا از پای درمی‌آوردند. گرچه در تصور هم نمی‌گنجید که روزی این کار را بکنم. به یک گروه از والدین ملحق شدم. این گروه در یک مرکز راهنمایی کودکان تشکیل جلسه می‌داد و توسط روان‌شناس جوانی به‌نام دکترهایم جینات اداره می‌شد.

موضوع جلسه‌ها، احساسات و عواطف کودکان بود و دو ساعت طول می‌کشید. با سری گیج از هجوم افکاری نوو دقت‌رچهای از پیراهن‌های خوب ته‌نیم نشده، به خانه برگشتم؛ ارتباط مستقیم بین احساسات کودکان و رفتار آنان. زمانی که کودکان احساس درستی داشته باشند، رفتار درستی نیز خواهند داشت. چگونه به کودکان یاری‌رسانیم تا احساسات و عواطف درستی بیابند؟ با پذیرفتن عواطفشان!

مساله: معمولا والدین عواطف کودکان‌شان را نمی‌پذیرند.

برای نمونه: «تو واقعا این‌طوری فکر می‌کنی؟» «این حرف‌ها را می‌زنی واسه این‌که خسته‌ای.» «دلیلی نداره که این‌طوری ازگوره در بیری.»

انکار مداوم احساس کودکان می‌تواند سبب سردرگمی و خشم آنان شود. همچنین اگر به آنان بگوییم که خودش هم احساس‌شان را نمی‌شناسند، عدم اعتماد را به آنان تلقین کرده‌ایم.

مصطفی رحماندوست، شاعر سرشناس کودکان و نوجوانان از کودکی خود می‌گوید

## ماجرای اشک‌های پدر

همین موضوع باعث شد تا رحماندوست برای یادگیری خواندن و نوشتن شتاب کند و شعرهای دیوان شعرا را بخواند. در مدرسه حافظ می‌خواند و سعی می‌کرد اشعار این شاعر بزرگ را حفظ کند. بعد از گذراندن دوره ابتدایی او وارد دبیرستان شد و در رشته علوم انسانی که در آن زمان نام رشته ادبی داشت تحصیل کرد. مصطفی رحماندوست در دوره دبیرستان هم فرد کتابخوانی بود. او در مصاحبه‌ای درباره کتابخانه دبیرستان ابن سینا که در آن درس می‌خواند گفت: «کتابخانه خوبی داشت، اما به سختی می‌توانستم از آنجا کتاب بگیرم، بسیاری از کتاب‌های آنجا را خواندم. کمبودها را هم با کرایه کردن کتاب و مطالعه سریع آن جبران می‌کردم. شبی یک ریال کرایه کتاب می‌دادم. خلاصه بعضی از کتاب‌ها را هم از بچه‌های اهل کتاب می‌شنیدم تا کرایه کمتری بپردازم.»

رحماندوست همچنین در مصاحبه‌ای دیگر گفته است که اولین نوشته‌اش زمانی چاپ شد که دانش‌آموز دبیرستان بود و تا مدت‌ها به نوشتن برای بزرگسالان ادامه می‌داد تا این که در اواخر دوره دانشجویی با ادبیات کودک و نوجوان آشنا شد و تصمیم گرفت شاعر شعرهای کودکانه باشد.



مصطفی رحماندوست چهره نام‌آشنای ادبیات کودک و نوجوان متولد ۱۳۲۹ در شهر همدان است. او را می‌توان پدر شعر کودک ایران دانست. تلاش‌های فراوان و قابل تقدیر رحماندوست برای رشد ادبیات کودک و نوجوان در ایران سبب شده که امروز یکی از صاحبزترین افراد در حیطه ادبیات کودک و نوجوان باشد. او شاعر، نویسنده و مترجم کتاب‌های کودک و نوجوان است و شعر مشهور او «صد دانه یاقوت» که بیش از سه نسل از کودکان و نوجوانان ایران زمین با آن خاطره دارند، از سروده‌های اوست.

مصطفی رحماندوست از زمانی که کودک بود و تقریبا ۱۱ سال داشت متوجه شد که استعداد درخشانی در شعرگفتن دارد. او در کودکی اشعار مثنوی مولوی را حفظ کرده بود. شعرهایی که مادرش گاهی برای او زمزمه می‌کرد. رحماندوست درباره کودکی خود می‌گوید: «پدرم قوی بنیه بود اما وقتی درباره کرپلا شعر می‌خواند، اشکش درمی‌آمد. برای من که او را قوی و زورمند می‌دیدم، دیدن اشک و اندوهش عجیب بود. خیلی دلم می‌خواست بدانم آن کلمه‌های سیاهی که بر کاغذ دیوان صامت و قمری نقش بسته چه هستند و چه قدرتی دارند که پدر زورمندم را به گریه می‌نشاندد.»

### قصه شب

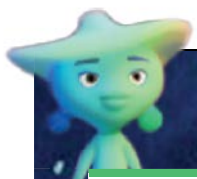
## ۲ حکایت از گلستان

از هفته گذشته قارامان این بود که در بخش «قصه شب» داستان‌هایی از متون کهن نظم و نثر فارسی انتخاب کنیم تا مخاطبان محترم این صفحه بتوانند آن برای فرزندان خود به عنوان قصه شب بخوانند. یک نکته در باب نقل این داستان‌ها برای کودکان وجود دارد و آن این است که درست مثل داستان‌هایی که از خودمان درمی‌آوریم و پیش از خواب برای کودکان مان می‌گوییم، می‌توان در این داستان‌ها نیز تغییراتی ایجاد نمود و بعد به شیوه منحصریه فردی روایتی خاص از آن برای کودکان نقل کرد. در این شماره دو حکایت از گلستان سعدی نقل خواهیم کرد که در ظاهر مجمل و کوتاه‌اند اما می‌توانید آنها را بسط دهید و طولانی‌شان کنید.

### دوشاهزاده

نقل کرده‌اند که در مصر دو شاهزاده زندگی می‌کردند که یکی از آنها به دنبال تحصیل علم رفت و دیگری مال و ثروت جمع کرد. در طول سالیان دراز هرکدام از این دو شاهزاده راه خود را رفتند و مسیر شخصی خود برای رسیدن به موفقیت را در پیش گرفتند. در نهایت یکی از آنها بزرگ‌ترین دانشمند زمان خود شد و دومی ثروتمندترین آدم مصر. روزی برادر ثروتمند به دانشمند گفت: من پادشاه شده‌ام اما تو هنوز فقیر هستی. برادر دانشمند گفت من خدا را شکر می‌کنم به خاطر این‌که علم به دست آوردم و علم از پیامبران برجای مانده است. اما تو ثروت و

و کاربرد آنها در زندگی روزمره جلب می‌کند و آنها را با حرکاتی مانند باز نگه داشتن چشم‌ها، پلک زدن، زل زدن، پلک نزدن، تنگ کردن چشم‌ها، تار دیدن و... آشنا می‌کند. پلک نزن یکی از تازه‌ترین آثار اوست که سال ۲۰۱۸ به بازار آمده است. پلک نزن در ۳۶ صفحه مصور رنگی با قیمت ۱۵ هزار تومان منتشر شده است.



در ذهن کودکان دلسوزانه می‌ریزیم!

### آیا این انیمیشن برای کودکان مناسب است؟

گر چه انیمیشن‌ها عموما برای کودکان ساخته می‌شود اما به دلیل محتوای پس از مرگ و مفاهیم انتزاعی مثل اهداف ما برای زیستن و شکل جهان پس از مرگ ممکن است به ترس‌های کودک زیر ۱۲ سال که عمدتا درخصوص مرگ در این سنین پرنزگ است، دامن بزند و سوالات او را بیشتر کند. اما این انیمیشن برای پاسخ به سوالات کودک بالای ۱۲ سال درخصوص مرگ و جهان پس از مرگ می‌تواند مناسب باشد. البته تفکیک سنی براساس مختصات کودکان می‌تواند متفاوت باشد و کاملا حدودی است.

اما این انیمیشن انیمیشنی بسیار تاثیرگذار برای بزرگسالان است به‌ویژه در روزهایی که انسان به واسطه شرایط جهانی پیش‌آمده در تنهایی بیشتری فرو رفته و با خودش خلوت کرده و این رویایی با خود، احساسات گوناگونی را ایجاد کرده است. **✎**

